**نظری بر نظر سنا**

**افشار، ایرج**

سنا رفتگان نیت خیری را که ایجاد و تأسیس کتابخانهء عمومی در شهرهاست بصوره مادهء واحده‏ای به مجلس سنا عرضه کرده‏اند.جمعی از امضا کنندگان این طرح از رجال فرهنگی و اهل‏ سواد و قلمند و قطعا باعلم و اطلاع بر وجوب و اهمیت امری بدین مهم قد علم کرده‏اند. امیدست این نیت خیر جامهء عمل بپوشد و در شهرهای ایران کتابخانه‏های عمومی بمعنای واقعی کلمه‏ و بنحوی که از حقیقت و مقصود دور نباشد تشکیل شود و آن خدمت و وظیفه‏ای را که مملکت و جوامع دولتی در عهده دارد برای ملت و مردم تعهد کند.

مسألهء تشکیل کتابخانهء عمومی وظیفه‏ای نیست که تنها در عهدهء شهرداری و مردم باشد،دولت هم‏ مسؤولیتی عظیم درین راه دارد.وزارت فرهنگ که عهده‏دار امور فرهنگی و بسط معارف در سراسر مملکت است باید در چنین مسائل نه تنها نگاهبان و مشوق باشد بلکه باید که خود عامل و طراح‏ باشد و چندان که لازم است با صرف اعتبارات مالی در راه ایجاد کتابخانه و خرید کتاب و تربیت‏ کتابدار و تدوین و تنظیم قواعد کتابداری اهتمام کند.

اگر تاکنون کتابخانهء عمومی به معنای واقعی و مصداق جدید آن در ایران وجود نداشته است‏ به دو سبب است:یکی بی‏توجهی و کاهلی مردم و دیگر بی‏عنایتی و قصور دولت.

مردم ما آنچنانکه باید با کتاب خواندن خو نگرفته‏اند و اکثریت از نعمت خواندن بی‏بهره‏ است،در میان چنین مردم وظیفهء دولت سنگین‏تر و کار دشوارترست.بر دولت که رهبرو هادی جامعه‏ است فرض است که ملت را نه تنها باسواد کند بلکه آنها را بسوی خواندن و مدام خواندن‏ ترعیب نماید.

سالهاست که دربارهء لزوم تأسیس کتابخانه‏های عمومی قلم فرسوده‏ام و اینک هم با اینکه طرح‏ سنا نشستگان را در پیش چشم دارم،اما چشمم آب نمی‏خورد که اساس کتابخانه‏های عمومی چنانکه باید و شاید قوام بگیرد.درباب طرح مذکور حرفهای بسیارست و جلای ملال است که نویسندگان طرح‏ بدون مطالعه در کیفیات محیط مملکت و بررسی وضع کتابخانه‏هایکه اکنون هست مادهء واحده‏ای‏ را با چند تبصره بهم بسته‏اندو می‏خواهند که با این طرز کاری عظیم و فنی را از پیش ببرند. آنچه بنظر بندهء درباب نقائص و معایب طرح مذکور می‏رسد درین جا طرح می‏شود تا مورد نظر بیست‏ودو سناتور تقدیم کنندهء مادهء واحده و مجلس سنا واقع شود و اگر عقاید مخلص را که‏ مبتنی بر مختصر اطلاع و تجربهء نویسنده درباب کتابخانه‏ها صحیح دانستند در مادهء واحده‏ منظور نمایند.

اینکه از محیط و کیفیات موجود یادی کردم بسبب آنست که من بنده در بهار 1342 مناطق‏ مازندران و گرگان و سمنان تا شاهرود را از لحاظ وجود کتابخانه‏ها و مشکلات آنها در مطالعه‏ گرفتم(و رساله‏ای درین باب تدوین کردم که خلاصه‏ای از آنرا در شمارهء آینده نشر خواهم کرد)و نیز از سالی که کتابخانهء عمومی انجمن کتاب تأسیس شده است دائما و منظما مشکلات امر را دریافته و تاحدودی بر مشکلات امر وقوف یافته‏ام.

اینک به بحث در مطالبی می‏پردازم که در مادهء واحده قابل دقت و بحث می‏دانم.

1-لازم است که یک مرکز اصلی در مملکت برای هدایت و ارشاد و ایجاد قواعد کتابداری‏ وجود داشته باشد که هر یک از کتابخانه‏ها برای رفع مشکلات و جلب راهنمائی بدان مرکز مراجعه‏ کنند.این کاری است که حقات باید در عهدهء وزارت فرهنگ باشد.

2-ساختن کتابخانه و خرید کتاب جنبهء مادی کتابخانه است و آنچهء مهم است مسألهء تربیت کتابدار و تنظیم قواعد کتابداری برای ایران است و تا مجمعی صاحب صلاحیت نباشد هزارها کتاب هم که در کتابخانه‏ای باشد چنانکه باید مورد استفادهء عامه نخواهد بود.مدرسه و کلاس‏ کتابداری باید همزمان با تأسیس کتابخانه‏ها ایجاد شود تا کتابخانه‏های عمومی از نخستین روز با اصول صحیح بنیاد گیرد.درین امر باید دانشگاه تهران یا دانشسرای عالی فورا اقدام کنند.\*

3-وظیفه و تعهد وزارت فرهنگ باید بطور صریح معین شود،همانطور که برای شهرداری‏ معین شده است.تا وزارت فرهنگ به نداشتن بودجه و نبودن آدم متوسط نشود.

4-در تبصرهء چهارم باید ادارهء کل اوقاف را نیز موظف کرد که در شهرها زمینهای وقفی را برای ایجاد کتابخانه در اختیار انجمن کتابخانه بگذارد.

5-تبصرهء هفتم نه مصلحت است و نه آنکه ضمانت اجرا دارد.چه کتابهائی که در کتابخانه‏های‏ عمومی جمع‏آوری می‏شود باید مفید بحال جامعه و درخور خواندن باشد.چه بسیار کتابها که‏ طبع می‏شود و باید از دست عامه بدر برد.وظیفهء کتابخانه‏های عمومی آنست که مردم را به خواندن‏ کتاب سالم هدایت کنند.

فکر جمع‏آوری کتبی که در مملکت چاپ می‏شود بسیار صحیح و منطقی است ولی برای کتابخانهء ملی مملکت که محل جمع‏آوری کلیهء انتشارات مملکتی خواهد بود.اکنون که این قانون می‏گذرد تبصرهء مذکور لامحاله باید بشرح زیر اصلاح شود و حتما ضمانت اجرائی برای آن قائل شد زیرا چنین‏ امری در قانون مطبوعات قدیم پیش‏بینی شده است ولی اجرا نمی‏شود،بعلت آنکه ضمانت اجرا ندارد.

«چاپخانه‏های هر شهر مکلفند از کتب و مجلات و روزنامه‏هائی که چاپ می‏کنند دو نسخه‏ از طرف صاحب نشریه برای ضبط به کتابخانهء ملی ایران(در طهران)اختصاص بدهند یا طبق دستور کتابخانهء ملی به نماینده‏ای که معرفی می‏شود تحویل نمایند.در صورت تخلف وزارت فرهنگ‏ مجازست که لغو پروانهء کسب چاپخانه را از وزارت کشور بخواهد.»

درین باب در زمانی که تصدی کتابخانهء ملی با من بود طرح تصویب نامه‏ای با همکاری دکتر محمد مشیریان که مرد مطلعی درباب حق مؤلف است تهیه شد که جناب آقای دکتر خانلری آنرا مسکوت نگاهداشتند درحالی که تصویب نامهء تصاحب حقوق مؤلفان کتب درسی را گذارنیدند.

(\*)-بطور مثال در ترکیه که کتابخانه‏ها بنحو بسیار خوبی پیشرفت کرده است مرهون اقدامات‏ دانشکدهء کتابداری است که از طرف بنیاد فورد تشکیل شده است.